



مستحکم باد اتحاد بین المللی کارگران تمام کشورهای جهان ۳

کشتار در فلوجه

موج فزاینده مقاومت توده های مردم عراق علیه نیروهای نظامی اشغالگر، سراسر این کشور را فراگرفته است. در سالگرد اشغال نظامی عراق، مردم این کشور در اغلب شهرها به خیابان ها ریختند و با نیروهای نظامی اشغالگر درگیر شدند.

یک سال پیش، امپریالیسم آمریکا به منظور تحقق اهداف توسعه طلبانه و امپریالیستی خود، همراه با نیروهای نظامی انگلیس، کشور عراق را به اشغال نظامی خود در آورد. از همان آغاز، ماهیت این اقدام تجاوزکارانه

در صفحه ۴



فستیوالی در ادامه کنفرانس برلین

و اعدام می کند، اعتصاب و اعتراض را ممنوع می کند و خلاصه تا آنجا که به سیاست داخلی رژیم بر می گردد، برای ادامه حیات و حفظ منافع خویش به هر جنابیتی دست می زند و به هیچکس هم پاسخگو نیست. در عرصه سیاست خارجی - گرچه این نیز در کلیت خود جدا از سیاست داخلی نیست و بازتابی ست از آن - و به منظور تأمین و تحقق همان اهداف و منافع یعنی تأمین منفعت کلیت نظام حاکم اما گاه رژیم به این نیاز داشته است تا چهره ی دیگری یا متعادل تری از خود نشان دهد و به منظور گسترش مناسبات خود با غرب و کشورهای اروپائی که آنها نیز در این معادله قبل از هر چیز منافع

در صفحه ۵

کودکان خیابانی، قربانیان نظم حاکم

کودکان خیابانی بخشی از قربانیان بی عدالتی هایی هستند که نظام سرمایه داری به جامعه بشری تحمیل کرده است. آمارهای نهادهای بین المللی شمار کودکان خیابانی را در سطح جهان ۱۰۰ میلیون نفر برآورد می کند. چهل میلیون آنان در آمریکای لاتین، سی و پنج میلیون در آسیا، ده میلیون در آفریقا و بقیه در کشورهای «پیشرفته» سرمایه داری زندگی می کنند. کودکان خیابانی کسانی هستند که کمتر از ۱۸ بهار از عمرشان سپری شده در خیابان زندگی و گاهی کار می کنند. په وحشیانه ترین شکل استثمار می شوند و در معرض انواع خشونت و تجاوزات جنسی و بی حقوقی محض قرار دارند.

در صفحه ۲

اخباری از ایران

کودکان خیابانی، قربانیان نظم حاکم

تجمع اعتراضی کارگران پاپیروس

بعد از اخراج ۲۰ تن از کارگران با سابقه شرکت کاغذ سازی ایران پاپیروس در سال جدید، کارگران این شرکت دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر اداره کار شهرستان ساوه، خواستار بازگشت به کار کارگران شدند. کارفرمای شرکت، برای مقابله با خواست کارگران، با ارسال نامه ای به فرمانداری و کمیسیون کارگری ساوه، اعلام ورشکستگی نموده است. به دنبال این اقدام مذبحخانه کارفرما، رسیدگی به خواست کارگران، به مراجع حل اختلاف واگذار شده است.

تجمع اعتراضی کارگران

در آغاز سال جدید، دهها تن از کارگران دانشگاه علوم پزشکی همدان، به بهانه مشکلات مالی، اخراج و از کار بیکار شدند. شمار این اخراج ها که از ۱۵ فروردین آغاز شده بود، به ۲۰۰ نفر رسیده است. در اعتراض به این مسئله، کارگران در محل دانشگاه دست به تجمع زده و خواستار بازگشت به کار اخراج شدگان شدند.

کارگران خواستار دستمزد و سایر مطالبات اند

دستمزد اسفند ماه کارگران صنایع الکتروموتور ایران (هواکش خزر) هنوز پرداخت نشده است. افزون بر این کارفرمای شرکت مبلغ ۸۲۰ میلیون ریال بدهی خود به کارگران بابت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را نیز نپرداخته است. کارگران خواهان پرداخت دستمزدها و سایر مطالبات خویشند.

بلا تکلیفی کارگران کارخانه لرد

بیش از یک سال است که شرکت لرد همدان به بهانه بدهی های دولتی به حالت تعطیل درآمده است. ۳۳۰ کارگر این کارخانه که حدود نیمی از آنها قراردادی هستند، هم

کودکان خیابانی مسئولان جمهوری اسلامی را وادار کرده که تعداد گشت هایشان را نیز افزایش دهند.

بر اساس يك کار تحقیقی مستقل که سال ۱۳۷۹ منتشر شد تعداد کودکان خیابانی در ایران دستکم يك میلیون نفر است که چهل و يك درصدشان بین سیزده تا شانزده سال سن دارند. يك کار تحقیقی دیگر که فاطمه قاسم زاده، عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان در آبان ماه گذشته منتشر نمود حاکی از آن است که بیشترین میزان کودکان خیابانی در سنین شش تا دوازده سال هستند و يك پنجم آنان را دختران تشکیل می دهند.

یکی دیگر از مشکلاتی که می توان در رابطه با کودکان خیابانی در ایران مطرح کرد قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی است. ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی سن بلوغ را برای دختران هشت سال و نه ماه و برای پسران چهارده سال و شش ماه تعیین کرده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی در سال ۱۳۷۳ کنوانسیون بین المللی حقوق کودکان را امضاء کرده، کنوانسیونیی که در ماده يك خود کودک را شخصی با کمتر از هجده سال سن معرفی می کند.

بررسی های دیگری نشان داده اند که هشتاد درصد خانواده های کودکان خیابانی در ایران درآمدی کمتر از هفتاد هزار تومان در ماه دارند و در واقع در فقر مطلق به سر می برند. این خانواده ها نه فقط توانایی تأمین هزینه های فرزندانشان را ندارند بلکه وادار شده اند که یا آنان را در خیابان ها رها کنند یا برای اشتغال به کارهای کاذب و حتا تکدی گری به خیابان ها بفرستند.

کودکان خیابانی قربانیان نظم سرمایه داری حاکم بر جهان هستند. در ایران طبقه سرمایه دار و دولت حافظ منافع آن با وضع قوانین ارتجاعی که بی ارتباط با ماهیت دینی نظام نیستند به این پدیده ابعادی به مراتب وحشتناک تر داده است. يك مبارزه جدی برای ریشه کن کردن پدیده کودکان خیابانی بدون مبارزه با نظم سیاسی - اقتصادی حاکم بر ایران بخت زیادی برای پیروزی ندارد.

پدیده کودکان خیابانی در ایران چنان گسترده شده که اکنون رسانه های جمهوری اسلامی نیز مجبورند خبرهایی در مورد آنان منتشر کنند. با این حال در خبرهای منتشر شده بسیاری از جوانب اصلی مربوط به پدیده کودکان خیابانی پنهان باقی می ماند. از جمله این که تعداد کودکان خیابانی ایران در آمار رسمی جایی ندارد و دولت هیچ گونه برنامه جدی برای آنان ندارد.

جمهوری اسلامی از سال ۱۳۷۸ طرحی را برای «جمع آوری» کودکان خیابانی در دستور کار گذاشت. بیش از شش سال از عمر این به اصطلاح طرح می گذرد، اما تمام شواهد حاکی از آن است که جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ارتجاعی خود هیچ اقدام جدی در این زمینه انجام نداده است. معتمدی، مدیر کل دفتر امور آسیب دیدگان بهزیستی روز سی و يك شهریور گذشته به یکی از خبرنگارهای جمهوری اسلامی گفت که در تهران دو «پناهگاه کودکان» در شوش و خیام راه اندازی شده است. وی در همان روز افزود که ۱۰ هزار «کودک کار» و ۷ تا ۸ هزار «کودک خیابانی» از سطح خیابان ها «جمع آوری» شده اند. بدیهی است که مجموعاً ۱۸ هزار کودک را فقط در دو پناهگاه جای نداده اند و بسیاری را دوباره به حال خود رها کرده اند. آقای معتمدی در حالی از «جمع آوری» هزاران کودک در روز سی و يك شهریور خبر داد که آقای الصاق، مدیر کل بهزیستی استان تهران روز نهم مهر ماه سال گذشته به خبرنگارهای دیگری گفت «از اول دی ماه ۱۳۸۱ تا ۲۹ شهریور ۱۳۸۲ پانزده هزار کودک زیر ۱۸ سال از شهرهای مختلف از طریق ترمینال ها وارد تهران شدند». همین آقای الصاق در هفته پایانی فروردین جاری گفت که تعداد «گشت های سیار جمع آوری کودکان خیابانی در سطح شهر دو برابر می شوند». به عبارت دیگر افزایش

کمک مالی

کانادا	ستاره	۲۰ دلار کانادا
سوئد	فریدون ش - م	۲۰۰ کرون
فرانسه	ب ۵۶	۱۰ یورو



مستحکم باد اتحاد بین المللی کارگران تمام کشورهای جهان

رفقای کارگر!

فرارسیدن اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران را تبریک می گوئیم. اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) فرا می رسد و یک بار دیگر کارگران سراسر جهان دست از کار می کشند و با جشن و سرور، راهپیمایی و تظاهرات، اتحاد بین المللی خود را در برابر پاسداران نظم ستمگرانه سرمایه داری به نمایش می گذارند. در اول ماه مه، لشکر بی شمار کار، قدرت عظیم بین المللی خود را در برابر اردوی سرمایه به نمایش می گذارد و نشان میدهد که کارگران سراسر جهان چون پیکر واحد، برای برانداختن نظامی که برپایه استثمار، ستم، فقر، نابرابری، جنگ و کشتار بنا شده است، مصمم و استوار ایستاده اند.

طبقه کارگر نمی تواند با نظامی سر سازگاری داشته باشد که بنیادش بر استثمار و نابرابری نهاده شده است. از همین روست که از همان آغاز پیدایش نظام جهانی سرمایه داری، مبارزه طبقه کارگر برای برانداختن این نظام و استقرار نظامی نوین، عادلانه و انسانی همواره استمرار داشته است.

این مبارزه هر چند که در مقاطع تاریخی مختلف با فراز و نشیب همراه بوده است، اما بنا به حکم تاریخ، سرانجام با پیروزی پایان خواهد یافت. چرا که تنها این مبارزه در جهت تحول تاریخی، پیشرفت بشریت و رهایی واقعی انسان است. اگر نظام سرمایه داری به رغم ماهیت طبقاتی و سرشت استثمارگرانه خود، زمانی به لحاظ تاریخی توجیه وجودی داشت، اکنون مدت های مدید است که این دلیل و توجیه تاریخی خود را نیز از دست داده است و به مانعی عمده بر سر راه تحول تاریخ و پیشرفت بشریت تبدیل شده است.

واقعیت های موجود جهان به وضوح پوسیدگی نظام سرمایه داری و ضرورت گذار به یک نظام انسانی سوسیالیستی را در برابر تمام توده های زحمتکش مردم جهان قرار داده است.

تضادهای سر به فلک کشیده و انبوه بحران هایی که نظام سرمایه داری جهانی با آنها روبروست و از حل آنها عاجز مانده است، اوج پوسیدگی و زوال تاریخی این نظام را برملا کرده است.

وفور ثروت خیره کننده است، اما یک میلیارد انسان گرسنه اند. هر سال چندین میلیون کودک از گرسنگی و نبود ابتدایی ترین امکانات بهداشتی و درمانی می میرند. وفور تولید وجود دارد، اما کارگران گروه گروه بیکار می شوند و به صفوف میلیونی بیکاران فقیر می پیوندند. بحران اقتصادی ژرف و مزمنی جهان سرمایه داری را فرا گرفته است. نرخ های سود کاهش یافته اند و رکود حاکم است. طبقه سرمایه دار استثمار کارگران را تشدید کرده است. تعرض به سطح معیشت کارگران تشدید شده است. دستمزد واقعی کارگران مدام در حال تنزل است. امکانات رفاهی و اجتماعی کارگران روز به روز محدودتر می شود و شرایط زندگی خالقین ثروت دائماً وخیم تر می گردد.

با این همه، بحران لاینحل مانده است، بورژوازی راه حلی اقتصادی برای این بحران ندارد. انحصارات جهانی توسعه طلبی های ارضی را با برافروختن جنگ ها و لشکر کشی های نظامی تشدید کرده اند، تا بدین طریق بازارهای جدیدی به دست آورند و صنایع خود را رونق بخشند. هم اکنون در عراق هزاران تن از مردم کارگر و زحمتکش این کشور قربانی وحشی گری ارتش های آمریکایی و انگلیسی شده اند. به بهانه جنگ و خطر تروریسم بنیادگرایان اسلامی که آنها تجلی چیز دیگری جز پوسیدگی نظام سرمایه داری نیست، حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی مردم نیز پیوسته محدودتر می شود. فجایعی که نظام سرمایه داری در مقیاس جهانی به بار آورده است، حد و مرز ندارد. با تمام این فجایع، بحران های نظام سرمایه داری که حاکی از پوسیدگی این نظام اند، نه تنها کاهش نیافته بلکه دائماً گسترده تر و ژرف تر شده اند.

تمام این واقعیت ها نشان می دهند که هیچ راه نجاتی برای نظم ستمگرانه سرمایه داری باقی نمانده است و بشریت ستمدیده تنها با نابودی این نظام است که می تواند از شر فجایع بی شمار آن رهایی یابد.

یگانه آلترناتیو این نظام نیز، تنها یک نظام سوسیالیستی است که طبقه کارگر جهان برای برپایی آن مبارزه می کند. تنها سوسیالیسم است که می تواند آزادی و رهایی واقعی بشریت را به ارمان آورد. تنها سوسیالیسم است، که می تواند رفاه، خوشبختی، برابری و پیشرفت را برای بشریت ستمدیده به ارمان آورد. این است پیام روز همبستگی بین المللی کارگران.

طبقه کارگر ایران نیز که جزئی لاینفک از ارتش بین المللی کارگران تمام کشورهای جهان است، همان هدفی را دنبال می کند که کارگران تمام کشورهای جهان. این هدف، یک نظام جهانی سوسیالیستی است.

کارگران ایران در روز اول ماه مه هم صدا با کارگران تمام کشورهای جهان، سیاست های جنگ طلبانه قدرت های سرمایه داری و تعرض به سطح معیشت و حقوق و دست آوردهای کارگری را محکوم خواهند کرد و علی رغم وجود رژیم اختناق و سرکوب حاکم بر ایران، همبستگی خود را با تمام کارگران جهان نشان خواهند داد.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

نابود باد نظام سرمایه داری - زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

سازمان فدائیان (اقلیت)

اردیبهشت ماه ۱۳۸۳



و توسعه طلبانه امپریالیسم آمریکا بر مردم جهان روشن بود. آکسیون های اعتراضی میلیون ها تن از مردم سراسر جهان علیه جنگ افروزی امپریالیست ها، به وضوح این حقیقت را نشان می داد. اما امپریالیسم آمریکا ادعا می کرد که به خاطر نابودی سلاح های کشتار دستجمعی رژیم بعثی عراق که خطری برای تمام مردم منطقه است و نجات مردم عراق از شر دیکتاتوری صدام و برقراری دموکراسی در این کشور، به لشکر کشی نظامی روی آورده است.

عروسک های دست نشانده آمریکا در شورای حکومتی عراق نیز سوگند می خورند که آمریکا هدفی جز برقراری دموکراسی در عراق و پیشرفت و آبادانی این کشور ندارد. اکنون دیگر پوچ بودن این ادعاها بر هر کسی آشکار شده است. توده های مردم عراق اما از همان آغاز می دانستند که امپریالیسم آمریکا هدفی جز به بند کشیدن آنها و پیشبرد اهداف و مقاصد اقتصادی و سیاسی امپریالیستی ندارد. لذا از همان نخستین روز اشغال کشورشان، مقاومت در برابر اشغال گران را آغاز نمودند. عملیات نظامی به ویژه علیه نیروهای نظامی آمریکا گسترش یافت. در آغاز ادعا می شد که مقاومتی از جانب مردم عراق نیست. عملیات نظامی کار تعدادی تروریست القاعده ای ست که از کشورهای همسایه عراق آمده اند. اما گسترش جنبش مقاومت، بی اعتباری این ادعا را به همگان نشان داد. دیگر نمی توانستند بگویند که اعتصابات، تظاهرات و در هر روز چندین عملیات نظامی کار چند تروریست القاعده ای ست. لذا پس از گذشت چند ماهی از اشغال، ادعا کردند که مخالفین نیروهای اشغالگر، تروریست های القاعده ای و طرفداران صدام هستند. اما موج مقاومت، وسیع تر و گسترده تر شد. امپریالیسم آمریکا در مدتی کوتاه عملاً هم نشان داد که جز فقر، کشتار، ویرانی و اسارت چیزی عاید مردم عراق نکرده است. اعتراض گسترده تر شد و ابعاد جنبش مقاومت به درجه ای وسعت یافت که امپریالیسم آمریکا و پادوان جیره خوار آن در شورای حکومتی دست نشانده، دیگر نمی توانستند لاطانات و از اراجیف یک سال گذشته خود را تکرار کنند. پرده ها کنار زده شد و کشتار دستجمعی آشکار

یکدیگر در حال منازعه بوده اند. در این مدت مقتدا صدر توانست با استفاده از نفرت مردم از نیروهای اشغالگر، موقعیت خود را مستحکم کند و گروه مجلس اعلا اسلامی را که متحد جمهوری اسلامی ایران و آمریکا است، تضعیف نماید. هر چند که این گروه همانند مجلس اعلا اسلامی، یک جریان ارتجاعی - اسلامی ست که نمی تواند اختلاف جدی با امپریالیسم آمریکا داشته باشد، اما برخی مواضع آن با سیاست های آمریکا در عراق در تضاد قرار می گیرد. لذا آمریکائیان تصمیم گرفتند نشریه ای را که منتشر می کرد ممنوع الاینشمار سازند، برخی افراد آن را دستگیر و این گروه را منحل اعلام کنند. این خود منجر به شورش طرفداران وی در چند شهر عراق شد و موقعیت نیروهای اشغالگر را وخیم تر کرد.

وحشی گری ارتش آمریکا در فلوجه و تعداد دیگری از شهرهای عراق، حکومت دست نشانده آمریکا را نیز دچار بحران و شکاف کرد. برخی از اعضای شورای حکومتی در پی وقایع دو هفته اخیر استعفا کردند.

مجموعه حوادث سیاسی و نظامی دو هفته اخیر در عراق نشان می دهند که وضعیت نیروهای اشغالگر و متحدین و همکاران آنها که اکنون عمدتاً به مجلس اعلا اسلامی و گروه های کرد عراق به رهبری طالبانی و بارزانی محدود می گردد، روز به روز وخیم تر می شود.

شکست نیروهای اشغالگر به رهبری آمریکا در عراق یک سال پس از اشغال نظامی این کشور، اکنون از همه سو آشکار

توده های مردم عراق در دستور کار قرار گرفت. ارتش آمریکا برای درهم شکستن یکی از مراکز جنبش مقاومت، با تمام تجهیزات نظامی وارد عمل شد. هواپیماها و هلی کوپترهای آمریکایی، بمباران مناطق مسکونی شهر فلوجه را آغاز نمودند. تانک های آمریکایی تمام شهر را زیر آتش توپ های خود قرار دادند و سربازان آمریکایی هر که را که یافتند به قتل رساندند. در این اقدام وحشیانه و جنایتکارانه چندین هزار تن از مردم فلوجه کشته و زخمی شدند. دهها هزار تن آواره و در بدر شدند. آمار اعلام شده از سوی خبرگزاری ها حاکی ست که متجاوز از ۶۰۰ تن از مردم شهر فلوجه به دست سربازان آمریکایی به قتل رسیده اند. اما خود مردم تعداد کشته شدگان را که در میان آنها از کودکان کم سن و سال و پیرزنان و پیر مردانی که زیر بمباران ها به قتل رسیده اند، بسیار دیده می شود، بسی فراتر از این رقم می دانند.

با این همه وحشی گری ارتش آمریکا، مقاومت مردم نه تنها در هم نشکست بلکه درگیری های نظامی همچنان ادامه دارد و به تعداد دیگری از شهرهای عراق گسترش یافته است.

در این میان آنچه موقعیت امپریالیسم آمریکا را وخیم تر کرده است، شکافی ست که در صفوف گروه های اسلامگرای شیعه پدید آمده است. دو گروه رقیب مجلس اعلا اسلامی و جیش المهدی به رهبری مقتدا صدر از همان آغاز اشغال عراق، برای کسب رهبری در مناطق شیعه نشین عراق با

فستیوالی در ادامه کنفرانس برلین

سیاسی و اقتصادی خویش را تعقیب می کرده اند، خود را با برخی از موازین دلخواه این کشورها همدل و همزبان نشان دهد و یا دست کم وانمود کند که جمهوری اسلامی در این راستا دچار تغییراتی شده است. در این میان، مباحث و مقولاتی نظیر حد و حدود آزادی های سیاسی، مسئله حقوق بشر، مسئله تشکل ها و روزنامه ها، مسائل مربوط به نویسندگان و هنرمندان و امثال آن، از جمله مسائلی هستند که رژیم با چنگ اندازی بر آنها، سعی داشته است از این ها، به نفع امیال و اهداف خود بهره برداری یا به عبارت درست تر، سوء استفاده نماید. گفتنی است که دوجانب قضیه، البته هر یک از زاویه تأمین منافع خویش، اهل معامله و همواره آماده بند و بست بوده اند. سه سال پیش درست در چنین روزهایی، کنفرانس برلین بدین منظور و در همین رابطه بر پا شد. اما این کنفرانس که از جمله برخی افراد لیبرال - مذهبی، آخوند نوی خردادی و مهره های سابق سپاه پاسداران و مقامات امنیتی - اطلاعاتی رژیم صحنه گردان آن بودند، به سرعت رسوا و توسط نیروهای چپ افشاء گردید. کنفرانس برلین موفق نشد این ایده را در افکار عمومی جا بیندازد که گویا قاتلان میکونوس و سازماندهندگان قتل های زنجیره ای و رژیم اختناق و ترور و قتل عام زندانیان سیاسی، به یک رژیم دمکرات و آزادیخواه و حامی نویسندگان و هنرمندان تبدیل شده است. اما این بار بند و بست کنندگان دیروزی از در دیگری وارد شده اند. این بار "خانه فرهنگ های جهان" برلین که زیر نظر وزارت خارجه آلمان فعالیت می کند، با برپایی فستیوال و نمایشگاهی در این شهر، ظاهراً همان نقش و وظیفه را برعهده گرفته است. معهذاً این بار بی احتیاطی را به آنجا رسانده اند، که پای فرمانده قتل عام زندانیان سیاسی و فرمانده فرماندهان سپاه و مظهر ارتجاع یعنی خمینی جلاد را نیز به این فستیوال و نمایشگاه کشانده اند.

موضوع از این قرار است که "خانه فرهنگ های جهان" که یک نهاد به اصطلاح فرهنگی آلمانی است، اقدام به برگزاری یک نمایشگاه و جشنواره "فرهنگی" به نام "فستیوال نزدیک دوردست" نموده است تا در آن چند نمایش هنری و یا نمونه خوانی ادبیاتی برگزار شود. اما این نهاد مثلاً فرهنگی، در کنار

این مراسم و به بهانه "معرفی جایگاه تازه هنرمند ایرانی" به اقدام بی سابقه ای نیز دست زده است و علاوه بر عکس قاب گرفته خمینی جلاد، نعلین و کلاه و لباده و تسبیح و زیرجامه و برخی دیگر از لوازم شخصی این سمبل ارتجاع، بنیان گذار حکومت دینی، بزرگ مرتجع حکومت اسلامی، عامل کشتار و سرکوب هزاران هزار تن از مردم ایران و قتلوا دهنده قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ را نیز به نمایش گذاشت. این اقدام شرم آور و در عین حال حساب شده که بی تردید محصول بده بستان های سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی با دولت آلمان بود و در پوشش فعالیت های هنری و فرهنگی انجام می شد و بالاخره لعاب زدن و آرایش چهره رژیم سانسور و خفقان و کشتار را تعقیب می کرد، فوراً مورد اعتراض قرار گرفت.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران در تبعید، با صدور فراخوان مشترکی در ۲۴ مارس، ضمن اعتراض به این اقدام "خانه فرهنگ های جهان" و اعلام انزجار از آن، شرکت "هنرمندان" در این فستیوال و اجرای برنامه در کنار عبا و عمامه خمینی را هشدار دادند.

اما جالب اینجاست که کسانی از میان همین "هنرمندان" به بهانه دفاع از آزادی بیان و اندیشه در صدد توجیه این اقدام بی شرمانه برآمدند و در جریان توجیهاات خویش نیز به آنچه دلائل پیش پا افتاده و مسخره ای متوسل شدند که انسان را به حیرت می اندازد. یکی از این حضرات "هنرمند" با این استدلال که وسائل شخصی خمینی مثل کلاه و نعلین و لباده، حاصل کار چند "هنرمند" ایرانی ساکن زوریخ آلمان است، و مخالفت با نمایش آن، مخالفت با آزادی بیان و اندیشه است، این اقدام را توجیه می کند و فرد دیگری با این استدلال که در متن فراخوان و اعتراض مشترک کانون و انجمن . . . "ابهام" وجود دارد و این متن "روشن نمی کند که کلاه و لباده و نعلین خمینی اصل و یا بدل هستند" و طوری نوشته شده است که گویا این ها همان لوازم خمینی هستند که در "موزه مربوط به ایشان در ایران نگهداری می شود و حالا برای نمایش موقتی برای مدتی کوتاه به آلمان منتقل شده اند" به جنگ اعتراض کنندگان و مخالفین برگزاری این نمایشگاه می ورد! حقیقتاً انسان از این همه

استعداد و ذوق هنری در کشف دلائل توجیه این گونه تلاش ها برای چهره آرائی جمهوری اسلامی در شگفت می ماند!

جمهوری اسلامی با دولت آلمان زد و بند می کند، زیر پوشش فعالیت های فرهنگی و هنری، پای خمینی را به چنین مراسمی باز می کند، با ظاهر فریبی سعی می کند چهره ددمنش و جنایتکارانه خود را بزرگ کند، با وقاحت تمام نه فقط به هنرمندان، بلکه به عموم آزادیخواهان و مردم ایران اهانت می کند، آنوقت کسانی پیدا می شوند، که بر سر "اصلی" یا "بدلی" بودن زیرجامه و نعلین و عبا و خمینی مشاجره و چون چرا می کنند!

جمهوری اسلامی بر متن سرکوب خشن داخلی و نقض دائمی آزادی های سیاسی، بریدن زبان ها و بستن دهان ها و شکستن قلم ها، زندان و شکنجه و اعدام آزادیخواهان و مخالفین، قتل عام زندانیان سیاسی، سر به نیست کردن شعرا، نویسندگان و هنرمندانی امثال سعید سلطانپورها، پوینده ها و مختاری ها، با همکاری و بند و بست با دولت آلمان، می خواهد به افکار عمومی چنین القاء کند که گویا این رژیم، دمکرات و متمدن شده است، حدود و ثغور قوانین حقوق بشر را رعایت می کند و نه تنها دیگر در آن از سرکوب و ترور و زندان و اعدام خبری نیست، بلکه به هنرمندان و حتا مخالفین خود نیز اجازه فعالیت و ارائه کارهای هنری و ادبی را می دهد و از این فراتر، حتا در راه شکوفایی آن نیز تلاش می کند!

وقتی که این دروغ و فریب و این تلاش مذبحانه توسط افراد و نیروهای انقلابی و چپ افشاء و محکوم می شود، آنوقت کسانی پیدا می شوند که فریاد وا آزادی شان به آسمان می رود، و به نام آزادی بیان و اندیشه، از نمایش تصویر و لوازم شخصی خمینی حمایت و دفاع می کنند. این حضرات طرفداران آزادی بیان و اندیشه که از تبلیغ و ترویج ارتجاع و ضد آزادی، و از سمبل سرکوب و سانسور و خفقان و کسی که عملکرد و نظام اعتقادی، با آزادی بیان و اندیشه، عمیقاً متعارض و متضاد است دفاع می کنند آیا به خود جرات می دهند به همین سیاق و به نام آزادی بیان و اندیشه، از هم ردیفان خارجی خمینی، مثلاً از هیتلر و نمایش تصاویر و لوازم شخصی وی، همراه و در کنار یک فستیوال "فرهنگی" دفاع کنند؟ در هر حال این مسئله بسیار روشن است که چنین

اخباری از ایران

اکنون بدون دریافت حق سنوات، ۱۳ ماه است که در حالت سرگردانی و بلاتکلیفی به سر می‌برند.

تعویق پرداخت دستمزدها و بلاتکلیفی کارگران

بیش از ۴ ماه است که دستمزد کارگران آجرسازی "جنگیه" اهواز، پرداخت نشده است. افزون بر این نزدیک به یک سال است که حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی نیز پرداخت نشده است و از این رو به ۱۲۰ کارگری که شامل قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور شده اند، حق بیکاری پرداخت نمی‌شود. با وجود آن که کارگران این شرکت بارها دست به اعتراض و تجمع زده اند، اما کسی به خواست آنان توجه نکرده و همچنان بلاتکلیف اند.

امتناع کارفرما از پرداخت دستمزد

در پی اعتراضات مکرر کارگران شرکت شهد ارک رشت و علی رغم آن که مدیریت این شرکت وعده داده بود حقوق های عقب افتاده کارگران را تا آخر اسفند ۸۲ بپردازد، اما این بار هم کارفرما به وعده خویش عمل نکرد. ۶۵ کارگر این شرکت بیش از شش ماه است دستمزد نگرفته اند.

کارگران اعزامی به گره

معاون وزیر کار گفت، ۶۰۰ کارگری که برای کار به کره اعزام شده بودند، به کشور باز گشتند. روزنامه قدس در این باره می‌نویسد، به دلیل بی برنامه‌گی در کاریابی های داخلی و خارجی، این کارگران با مشکلات و تعارضات متعددی روبرو شده اند و اکثر آنان حالت روانی پیدا کرده و مجبور به بازگشت شده اند.

تجمع اعتراضی معلمان

شمار زیادی از معلمان نهضت سواد آموزی، صبح روز دوشنبه ۲۴ فروردین در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خویش، برای چندمین بار در برابر ساختمان اصلی وزارت آموزش و پرورش دست به تجمع

تظاهرات صدها هزار نفر در اعتراض به سیاست های اقتصادی در اروپا

روز شنبه ۳ آوریل، در اعتراض به سیاست های اقتصادی اروپا، کاهش خدمات رفاهی، اخراج ها و انجام دستمزدها، صدها هزارتن در شهرهای مختلف دست به راهپیمایی زدند.

در شهرهای برلین، پاریس و رم، در پاسخ به فراخوان اتحادیه های کارگری جنبش آلترگولبالیست، تظاهرکنندگان در میدانی اصلی این پایتخت ها فریاد اعتراض و مبارزه سر دادند. آنها همچنین در قطعنامه های پایانی این تظاهرات وسیع، اعلام کردند در صورت عدم توقف این اقدامات، مجدداً به خیابان ها خواهند آمد.

گزارش سازمان بین المللی کار پیرامون اشتغال و دستمزد زنان

سازمان بین المللی کار (ILO) در گزارشی در مورد میزان دستمزد زنان و اشتغال آنان، اعلام کرده است که در

سال ۲۰۰۳ اشتغال در میان زنان افزایش یافته است و به یک میلیارد و دویست هزار رسیده است. با این وجود سطح دستمزد زنان در مقایسه با مردان به طور میانگین ۴۰ درصد کمتر می باشد. در این گزارش همچنین آمده است که اکثر مشاغل زنان قراردادی و نیمه وقت می باشد.

میزان بیکاری زنان بر اساس همین آمار، ۶/۴ درصد می باشد. به عبارت دیگر ۷۸ میلیون زن در جهان، در صف بیکاران اند.

تظاهرات ضد سلطنتی در نپال

بیش از ۴۰ هزار تن در تظاهراتی در "کاتماندو" پایتخت نپال، با شعار دموکراسی و مرگ بر سلطنت علیه سلطنت "گیاندر" خانواده سلطنتی این کشور شرکت کردند. این وسیع ترین حرکت طی ده سال گذشته علیه نظام دیکتاتوری حاکم در این کشور می باشد. در جریان این تظاهرات پلیس به صفوف تظاهرکنندگان یورش برد که به مجروح شدن صدها تن و دستگیری دهها تن انجامید.

فستیوالی در ادامه . . .

"هنرمندانی" با دفاع از نمایش لباده و کلاه و نعلین خمینی ولو به بهانه نمایش آثار "هنری" یا به بهانه دفاع از آزادی بیان و اندیشه، آگاهانه یا غیر آگاهانه به پیش برندگان اهداف و سیاست های جمهوری اسلامی مبدل می شوند.

جمهوری اسلامی از این دست اقدامات دست برنخواهد داشت. "فستیوال نزدیک دور دست" ادامه کنفرانس برلین، در تعقیب همان اهداف و برای گسترش و تحکیم مناسبات جمهوری اسلامی با آلمان و سایر دولت های غربی ست. با یا بدون تصویر و لباده خمینی، فستیوالی که ابتکار آن در دست وزارت خارجه آلمان و حاصل زدو بند آن با جمهوری اسلامی ست، اهداف سالمی را دنبال نمی کند. هرچند جمهوری

اسلامی از این تلاش مذبوحانه نیز طرفی نخواهد بست و نخواهد توانست ماهیت ارتجاعی و ضدیت بنیادی خود با آزادیهای سیاسی، فرهنگ، ادبیات و هنر مترقی را پرده پوشی کند، اما نباید فراموش کرد که تبلیغ و ترویج ارتجاع و ضد آزادی، دفاع از سمبل سرکوب و سانسور و خفقان به نام آزادی بیان و اندیشه، بی تردید از سر ساده لوحی یا عدم درک ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی نیست. پشت این تلاش و این گونه تبلیغات "آزادیخواهانه" و این نوع "هنر" و "هنرمندی"، منافع طبقاتی معینی خوابیده است که جدا از منافع طبقه حاکمه در ایران نیست. کمونیست ها و همه نیروهای چپ رادیکال باید این تلاش ها را افشاء و خنثا کنند و همه جا بر این حقیقت تاکید نمایند که در جامعه طبقاتی، مقوله هنر و هنرمندی هم جدا از طبقات نیست و طبقاتی ست.

گرامی باد اول ماه مه
روز اتحاد و همبستگی کارگران

اخباری از ایران

سرمایه داری حاکم باز هم قربانی گرفت

کشتار در فلوجه

شده است. فرماندهان نظامی ارتش آمریکا در عراق برای مهار اوضاع تقاضای گسیل ۵۰ هزار نیروی نظامی دیگر را به رؤسای خود در آمریکا داده اند. اما اگر ارتش آمریکا حتماً نیروی نظامی خود را در عراق به دو برابر نیز افزایش دهد، باز هم کاری از پیش نخواهد برد.

در کشوری که ابعاد جنبش مقاومت تمام شهرها را فراگرفته است، هرخانه سنگری ست که نیروی مقاومت در آن در کمین است. در چنین جنگی، هیچ اشغالگری قادر به پیروزی نیست. این را اکنون طبقه حاکم آمریکا نیز فهمیده است و با افزایش تعداد نظامیان کشته شده آمریکایی در عراق، طبقه حاکم آمریکا در تلاش است راهی برای خروج از این بن بست پیدا کند. کشمکش جناح های هیئت حاکمه آمریکا بر سر مسئله عراق و رو شدن پی در پی پرونده هایی علیه بوش، به وضوح نشان می دهد که طبقه حاکم در آمریکا در تلاش است تا با جابجایی مهره های سیاسی خود که احتمالاً در جریان انتخابات چند ماه آینده رخ خواهد داد، معضل عراق را به طریقی دیگر حل کند. راه حلی که آنها از هم اکنون در پی آن هستند سهیم کردن رقبای امپریالیست اروپایی و پوشش دادن اشغال عراق توسط سازمان ملل است. اما اوضاع عراق بیش از آن بحرانی ست که بشود به نام سربازان پاسدار صلح، اوضاع را تحت کنترل در آورد.

تنها خروج نیروهای اشغالگر، می تواند بحران عراق را لااقل تخفیف دهد. تا آن زمان درگیری ها ادامه خواهد یافت.

روز ۱۸ فروردین یکی از کارگران اجباراً باز خرید شده و اخراجی کارخانه قند میاننوب به نام فرج پور، در کارخانه حضور یافت و پس از آن که با اسلحه به سمت رئیس کارخانه و مسئول کارگزینی شلیک کرد، با خالی کردن گلوله ای در مغز خویش، به زندگی خود پایان داد. بدین ترتیب بار دیگر کارگری که در اثر فشارها و تنگناهای تحمیلی نظام حاکم به ستوه آمده بود، قربانی این نظام کثیف و مناسبات ستمگرا نه آن واقع شد.

آمار خودکشی افزایش یافت

به گفته معاون اجتماعی سازمان بهزیستی، در سال ۸۲ آمار خودکشی به ویژه در میان زنان افزایش یافته است. بیشترین آمار خودکشی مربوط به زنان و دختران جوان (زیر ۲۰ سال) است. اقدام به خودکشی در مورد زنان دوبرابرمردان بوده است. به گزارش روزنامه جام جم، در سال ۸۱، بیش از ۲۵۰ مورد خودکشی منجر به مرگ، در میان دانشجویان گزارش شده است.

چند خبر کوتاه

معاون امور استان های سازمان تامین اجتماعی اعلام نمود که براساس قانون نوسازی صنایع و آئین نامه ای که اخیراً به تصویب هیئت دولت رسیده، ۳۰ هزار کارگر در سال جاری بیکار و به شمار مقرر بگیران بیمه بیکاری افزوده می شوند.

مشور فرماندار تهران در امور بانوان گفت ۹۰ درصد زنانی که تحت خشونت خانگی همسران قرار می گیرند، خانه دار هستند.

دبیر کل خانه کارگر می گوید در سال گذشته ۶ درصد به جمعیت کارگران قرار دادی افزوده شده است و هم اکنون ۴۲ درصد از کارگران کشور را کارگران قراردادی تشکیل می دهند. (ایلنا - ۱۹/۱/۸۳)

به حکم قوه قضائیه، روز شنبه ۲۲ فروردین، در یکی از زندان های اهواز، دست یک زندانی متهم به سرقت را قطع کردند.

زندند. به گفته یکی از اعتراض کنندگان در حالی که مجلس تصویب کرده است که حق التدریسی های طرح ۵ ساله نهضت سواد آموزی پس از طی این مدت می توانند به استخدام رسمی در آیند، اما تاکنون هیچ اقدامی در این خصوص صورت نگرفته است. نزدیک به ۴۸۰۰ آموزشیار نهضت سواد آموزی خواهان استخدام رسمی هستند. تجمع کنندگان اعلام کردند چنانچه مسئولین به خواست آنان رسیدگی نکنند، مجدداً روز چهارشنبه دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

مشکلات تنفسی و بینائی زنان قالی باف

طبق گزارش منتشره در خبرگزاری ایسنا، مشکلات بینائی در میان زنان قالیباف، در بیش از ۶۰ درصد آنان به نقص دید و نزدیک بینی منجر شده است.

یکی دیگر از عوارض قالیبافی در میان زنان، بیماریهای تنفسی است. سازمان بین المللی کار در گزارشی از وضعیت این زنان، یادآور شده است که در کشورهای چوچون هند، نپال و افغانستان، بیماریهای تنفسی جان زنان قالیباف را به مخاطره می اندازد. از آسم به عنوان یکی از بیماریهای رایج در میان قالیبافان زن یاد شده است.

قراردادهای موقت به مراکز درمانی هم تعمیم یافت

قراردادهای موقت (یک ماهه) به مراکز درمانی هم تعمیم یافت. خبرگزاری ایلنا در اواسط فروردین سال جاری گزارش داد که هم اکنون علاوه بر ۷۰ درصد کارگاهها، در بسیاری از مراکز درمانی نیز، کارفرمایان قراردادهای موقت و یک ماهه را بر کارگران تحمیل می کنند.

اخراج کارگران شهرداری

در آستانه سال ۸۳ دهها تن از کارگران شهرداری سندانج اخراج شدند که از جمله می توان به ۵۰ کارگر سازمان همیاری شهرداری و ۱۲ کارگر از فروشگاه رفاه اشاره کرد.

نشریه کار
ارگان
سازمان فدائیان (اقلیت)
را بخوانید

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد

M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I . W . A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس سازمان فداییان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۱۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۳۹)

در شماره قبل، به "محافظه کاری جنبش کارگری بریتانیا" از کتاب مبارزه طبقاتی و رهایی زنان اشاره شد. "معضلات زنان طبقه کارگر در بریتانیا" موضوع این شماره می باشد.

مشکلات زنان کارگر

سیاست های انتلافی لیبرال - کارگری، به منافع زنان کارگر، بیش از مردان این طبقه لطمه زد. توانائی بالقوه زنان کارگر به مبارزه، در حالی که به سوی اتحادهای طبقاتی و محافظه کاری سوق داده می شدند، منکوب و تحریف شد و هرگز اجازه شکوفائی نیافت. با نظری اجمالی به تاریخ جنبش برای حق رأی در میان زنان کارگر نساجی ها در آستانه قرن، می توان این ظرفیت را به وضوح دید.

اثر برجسته لید بینگتون و جیل نورین "دستی از پشت مانع ما شده است" این واقعیت را توضیح می دهد. در ۱۸۹۳، "استرپر" کارزار حق رأی در میان کارگران نساجی لانکشاير را آغاز نمود که تأثیرات قابل توجهی بر انجمن های قدیمی تر مبارزه برای حق رأی، کمیته های نمایندگی کارگری و حتی بر پارلمان، برجای گذاشت. از اوایل ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ این کارزار نیرو گرفت و به موفقیت های قابل توجهی دست یافت.

در اول ماه مه ۱۹۰۰، طومار جمع آوری امضاء در لانکشاير گشوده شد. تا فصل بهار، تعداد امضاهای زنان کارگر بر روی این طومار به ۲۹۳۵۹ رسیده بود. در ۱۸ مارس، یک هیئت ۱۵ نفره از زنان کارگر نساجی لانکشاير، طومار را به لندن برد که آن را به مجلس عوام تحویل دهد. تحت تأثیر این موفقیت ها، فعالین انجمن شمال انگلستان تصمیم به گسترش شبکه های خود و بسط آن به کارگران صنایع پشم در یورکشاير و کارگران صنایع نساجی و ابریشم در شمال چه شایر گرفتند. (همان

منبع - ص ۱۴۹).
۹۰۰۰۰ زن عضو اتحادیه های نساجی که در سال ۱۸۹۶، لاقول، پنج ششم کل زنان متشکل در اتحادیه های نساجی را نمایندگی می کردند، ستون فقرات جنبش را تشکیل می دادند.

آنها خواهان حق رأی عمومی به عنوان بخشی از لیست مطالبات اجتماعی و اقتصادی خود بودند.

"آنها، صرفاً علاقمند به برخورداری از حق رأی به عنوان سبیل برابری نبودند. بلکه از آن رو خواهان آن بودند که شرایط زنان امثال خودشان را بهبود بخشند. بدون دانستن این که چگونه از حق رأی می باید استفاده کرد، این رأی چه معنایی می توانست داشته باشد؟ آنها، همگی بدون استثناء در کمپین های گسترده تر زنان کارگر حضور فعال داشتند. آنها به عنوان فعالین اتحادیه ای برای ارتقاء سطح دستمزد و بهبود شرایط کار، تلاش می کردند. آنها، برای آموزش و تحصیلات دختران کارگر و تسهیلات بهتر برای مادران کارگر و فرزندانشان مبارزه می نمودند." (همان کتاب صفحات ۲۵ و ۲۹) راه و روشی که آنها برای انجام این اقدامات اتخاذ می نمودند، ریشه در تجارب طبقه کارگر داشت:

"... روش های شان، آنهایی بود که در جای دیگر، در متینگ های جلو کارخانه، پیشبرد جنبش حق رأی از کانال شعب اتحادیه ها و سازماندهی از طریق شوراهای صنوف، آموخته بودند." بدبختانه، این جنبش نتوانست حمایتی را که لایق و سزاوار آن بود، در جنبش وسیع تر کارگری به دست آورد و با موانعی لاینحل روبرو گردید. به آغوش بورژوا - فمینیست ها پناه برد و پس از چند سال از بین رفت.

اتحادیه اجتماعی و سیاسی زنان، موضوع بخش بعدی کتاب است.

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی ما بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org

Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 427 apr 2004